علمی

مشارکت دانشمند ایرانی در اختراع گیاه مصنوعی که هوای خانه را تمیز می‌کند

محققان نوع جدیدی از گیاه مصنوعی ساخته‌اند که می‌تواند برق تولید کند و هوای خانه را تمیز کند. محققان با شبیه‌سازی فرآیندهای طبیعی گیاهان، گیاهی مصنوعی تولید کرده‌اند که هر برگ آن در طول فتوسنتز، الکتریسیته تولید می‌کند. آب و مواد مغذی این گیاه طریق تعرق و عمل مویرگی تامین می‌شود. به نقل از آی‌ای، گروه تحقیقاتی از دانشگاه بینگهامتون در حین انجام مطالعه خود که در مورد باتری‌های زیستی با انرژی از باکتری‌ها بود به ایده جدیدی برای گیاهان مصنوعی رسیدند که می‌توانند از دی اکسید کربن تغذیه کنند، اکسیژن تولید کنند و حتی مقدار کمی نیرو نیز تولید کنند.

پروفسور سئوهون «شان» چوی(Seokheun "Sean" Choi) و دانشجوی دکترا مریم رضایی با استفاده از پنج سلول خورشیدی بیولوژیکی و باکتری‌های فتوسنتزی آنها، یک برگ مصنوعی ابتدا «برای سرگرمی» ساختند و سپس متوجه شدند که این ابداع مفاهیم گسترده‌تری در پی دارد.

آنها اولین گیاه را با پنج برگ ساختند و سپس میزان جذب دی اکسید کربن و قابلیت تولید اکسیژن آن را آزمایش کردند.

مشارکت دانشمند ایرانی در اختراع گیاه مصنوعی که هوای خانه را تمیز می‌کند

در حالی که تولید برق فعلی که حدود ۱۴۰ میکرووات است یک مزیت ثانویه به شمار می‌رود، چوی قصد دارد این فناوری را برای دستیابی به حداقل خروجی بیش از یک میلی‌وات بهبود بخشد. او همچنین می‌خواهد یک سیستم ذخیره‌سازی انرژی مانند باتری‌های لیتیوم یون یا ابرخازن‌ها را با آن ادغام کند. چوی می‌گوید: من می‌خواهم بتوانم از این برق برای شارژ کردن تلفن همراه یا سایر کاربردهای عملی استفاده کنم.

تولید بومی داروهای وارداتی با پلتفرم نوآورانه توسط فناوران کشور

یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان با تمرکز بر بومی‌سازی فناوری و تولید داروهای نوین، در حال تولید نوعی «قرص‌های لیوفیلیزه» با استفاده از پلتفرمی نوآورانه هستند که تا پیش از این تنها در چند کشور خاص تولید می‌شد. حمیدرضا متصدی‌زاده سرخ‌بیدی، مدیر عامل این شرکت دانش‌بنیان، گفت: ما در مجموعه خود روی پلتفرمی نوآورانه و دارویی خاص کار می‌کنیم که در بازار جهانی در این پلتفرم حدود ۲۰ محصول عرضه شده است و ما با هدف بومی‌سازی دو داروی وارداتی، تحقیقاتی انجام دادیم. وی با بیان اینکه تمرکز خود را بر روی قرص‌های لیوفیلیزه معطوف کردیم، اظهار کرد: این فرم از دارو در کمتر از سه ثانیه در دهان حل شده و سرعت جذب بالایی دارد. لیوفلیزه فرآیندی است که به‌طور گسترده برای خشک کردن و بهبود پایداری انواع محصولات دارویی ازجمله ویروس‌ها، واکسن‌ها، پروتئین‌ها، پپتیدها یا حامل‌های کلوئیدی مانند لیپوزوم‌ها، نانوذرات و نانوامولسیون‌ها استفاده می‌شود.

متصدی‌زاده سرخ‌بیدی اضافه کرد: این فرآیند به نسبت آهسته و گران بوده و برای محصولات با ارزش افزوده بالا مناسب است و ما در سال ۱۴۰۰ با ایده محوری تولید قرص‌های لیوفیلیزه کار خود را آغاز کردیم و در سال ۱۴۰۱ نمونه اولیه قرص لیوفیلیزه دسموپرسین که در بازار ایران با نام تجاری "مینیرین ملت" موجود بوده و از کشور انگلستان وارد می‌شود، ساخته شد.

به گفته وی، این مجموعه توانست تحقیق و توسعه محصولات قرص لیوفیلیزه دسموپرسین، قرص لیوفیلیزه بوپرنورفین، ویال تزریقی مولتی ویتامین با برند خارجی سولوویت و قطره خوراکی لاکتاز را تا پایان اردیبهشت ۱۴۰۳ تکمیل و نگارش CTD این محصولات را آغاز کند. همچنین این شرکت برای دو محصول قرص لیوفیلیزه دسموپرسین و ویال تزریقی مولتی ویتامین نیز تاییدیه دانش‌بنیان نوپا را در فروردین ۱۴۰۳ دریافت کرده است.

وی افزود: این داروها کاربردهای خاصی داشته و برای سلامتی انسان‌ها بسیار مفید هستند. ما در تلاشیم تا با بومی‌سازی این پلتفرم و تولید داروهای نوین، گامی مهم در جهت ارتقای سلامت جامعه و خودکفایی کشور برداریم.

متصدی‌زاده سرخ‌بیدی در خصوص بزرگترین یا مهم‌ترین دستاورد این مجموعه، بیان کرد: در مجموعه خود، با تکیه بر دانش و تخصص‌مان و با بهره‌گیری از پتنت‌های موجود، موفق به توسعه نوعی از "قرص‌های لیوفیلیزه" شدیم که تا پیش از این تنها در چند کشور خاص تولید می‌شد. تبدیل علم دانشگاهی به محصولی کاربردی، بزرگترین دستاورد مجموعه ماست و ما به این مهم افتخار می‌کنیم که توانسته‌ایم گامی در جهت ارتقای دانش و فناوری کشور برداریم. به نقل از معاونت علمی ریاست جمهوری، وی تاکید کرد: این دستاورد حاصل تلاش شبانه‌روزی و تعهد بی‌وقفه تمامی اعضای مجموعه ماست و ما مصمم هستیم که در مسیر نوآوری و خلق محصولات جدید گام برداریم و سهم خود را در پیشرفت کشور ایفا کنیم.

چند روایت تکان‌دهنده از قتل عام خانواده لارستانی ؛

قاتلین این خانواده مستاجر بودند!

جزئیات جدید از قتل عام خانوادگی در شهرستان لار در روایت های مختلف نشان از این دارد که قاتلین این خانواده مستاجران عموی خانواده بودند.

بر اساس اخبار منتشر شده، در جریان یک جنایت دلخراش در شهرستان لار، سه عضو یک خانواده پنج نفره به طرز فجیعی به قتل رسیدند و فرزند پسر این خانواده نیز ربوده شد. تحقیقات اولیه نشان می‌دهد که انگیزه اصلی این جنایت، سرقت طلا و جواهرات بوده است.

روایت اول :

در این حادثه دلخراش که ۴ عضو یک خانواده پنج نفره به طرز فجیعی به قتل رسیده‌اند. این جنایت که به نظر می‌رسد با انگیزه سرقت طلاجات صورت گرفته است، جامعه را شوکه کرده است. طبق اطلاعات اولیه، این خانواده در شهر بیرم ساکن بودند. سارقان که همسایه و مستاجر برادر شوهر زن همسایه بودند در غیاب پدر، اقدام به قتل مادر خانواده به نام رباب حاجی‌پور و سه دختر خردسال او به نام‌های آوا، آرام و جانان کرده‌اند. همچنین، پسر کوچک خانواده را ربوده و در صندوق عقب خودروی سرقتی قرار داده‌اند. پس از سرقت خودرو، سارقان در تعقیب و گریز پلیس قرار گرفتند. در جریان این تعقیب و گریز، خودروی سارقان واژگون شد و سارقان موفق به فرار شدند. اما خوشبختانه، پلیس موفق شد پسر ربوده شده را سالم از صندوق عقب خودرو خارج کند. با توجه به اظهارات پسر بچه، سارقان همسایگان آن‌ها بوده‌اند. وی بیان کرده است که سارقان با تهدید، طلاهای خانواده را سرقت کرده و او را ربوده‌اند.

روایت دوم

در ادامه پیگیری‌های انجام شده از شهروندان، به اطلاعات جدیدی دست یافتیم. ماموران پاسگاه فداق جزئیات تازه‌ای را در این خصوص فاش کردند. یکی از ماموران پلیس گفت: وقتی پلیس متوجه خودروی مسروقه‌ای شد که پلاک آن پوشانده شده بود، بلافاصله به آن دستور ایست داد. اما راننده بدون توجه به فرمان پلیس، سرعت خودرو را افزایش داد و متواری شد. همکاران من با بستن جاده در زیر گردنه بالنگستان، موفق شدند خودرو را متوقف کنند. راننده که یک خانم جوان بود، از ترس بیهوش شده بود. در حین جستجوی خودرو، فریادهای پسر بچه‌ای از صندوق عقب به گوش رسید. با باز کردن صندوق، پسر بچه حدود ۱۰ تا ۱۲ ساله‌ای را پیدا کردیم که دست و پایش بسته شده بود و از نظر جسمی در وضعیت نامناسبی قرار داشت. بلافاصله او را به یک مرکز درمانی منتقل کردیم. پسر بچه در هنگام انتقال به درمانگاه گفت: این افراد همسایه ما و مستأجر عمویم هستند. بعدازظهر امروز، این خانم از مادرم خواست تا به خانه‌شان برود و برایشان رنگینک درست کند.مادرم به همراه سه خواهرم به خانه‌شان رفتند و من تنها در خانه ماندم. حدود نیم ساعت بعد، شوهر این زن با صورت پوشیده وارد خانه ما شد. من او را شناختم و پرسیدم چرا صورتت را پوشانده‌ای؟ او گفت که نترسم و آمده تا بازی دزد و پلیس کنیم. سپس از من پرسید گاوصندوقتان کجاست و طلاهای مادرت کجاست؟ او در حین بازی، دست و پایم را بست و داخل صندوق عقب ماشین گذاشت و حرکت کرد. مامور پاسگاه افزود: شماره تلفن پدر پسر بچه را از او گرفتیم و با او تماس گرفتیم. پدر او گفت که سر کار بوده و در حال بازگشت به خانه بوده است.

روایت سوم

پدر خانواده نیز گفته است : در حال رسیدن به خانه بودم که پلیس با من تماس گرفت.از من پرسید شما الان کجا هستید؟ من هم گفتم رسیدم به منزل.به منزل که رسیدم متوجه باز بودن در خانه و نبودن ماشینم شدم.با صدای بلند همسر و فرزندانم را صدا کردم اما آنها جواب ندادند. با تلفن همسرم تماس گرفتم اما جواب نمی داد با سفارش مامور پاسگاه فداغ، به منزل همسایه ام رفتم گفتم شاید آنجا باشند.بی خبر از همه جا وارد خانه شدم ،اما با در بسته مواجه شدم. مامور پاسگاه فداغ به من گفت از دیوار بالا رود و داخل منزل شوم اگر هم درها قفل بودند قفل‌ها را بشکنم تلفن در دستم بود که صدای فریادم به آسمان رفتجسد زن با دخترانم در خانه همسایه بود.

روایت چهارم

پدر خانواده مقتولان که در این لحظه با جسد خانواده اش روبرو شده بود متوجه وارد شدن مرد همسایه به خانه اش می شود. این مرد داغدیده گفت : در این گیر و دار بود که مرد همسایه(قاتل) که فکر می‌کرد کسی هنوز متوجه جنایت نشده است برای جمع‌آوری اجساد و احتمالاً پنهان کردن آن‌ها وارد منزل شد من و او با هم درگیر شدیم و با سروصدای ما همسایه‌ها سر رسیدند و قاتل را دستگیر کردند.

زن خیانتکار و خاله اش ؛

در نیمه شب آدمکشی میکردند

پرونده پیچیده ای بود.قطعات پازل در کنار هم قرار نمی گرفتند. هیچ سرنخی برای شناسایی هویت جسد سوخته مجهول الهویه وجود نداشت اما کارآگاه همچنان چشم به سطور تحقیقات میدانی و لباس های سبز و قرمز رنگ مقتول دوخته بود که ۲ مرد میانسال قدم به اتاق ویژه جنایی گذاشتند.

یکی از آن ها برگه دستور مقام قضایی را روی میز کارآگاه گذاشت و از گم شدن اعضای یک خانواده در مشهد خبر داد.

او گفت: ما پدرهای زوج جوانی هستیم که به همراه نوه هایمان در شهرک مهرگان مشهد زندگی می کردند ولی به خاطر اختلافاتی که با فرزندانمان داشتیم با آن ها معاشرت نمی کردیم اما اکنون متوجه شدیم که همه آن ها گم شده اند!

مرد میانسال ادامه داد: دخترم که «فاطمه–ب» نام دارد با همسر وپسر ۴ساله و دختر ۱۸ماهه اش زندگی می کردند اما از حدود۷–۸ماه قبل تا امروز که هجدهم تیر است، به منزل دخترم رفت وآمد نکرده ام وخبری از آن ها ندارم. مرد میانسال دیگر نیز خود را پدر «حسین–ش»معرفی کرد وگفت: من هم به خاطر همین اختلافات خانوادگی به منزل پسرم نمی آمدم ولی اکنون که متوجه شدم او به همراه اعضای خانواده اش گم شده است و هیچ کس اطلاعی از آن ها ندارد،نگران شدم و به همراه پدر عروسم به پلیس آگاهی آمدیم تا شاید با کمک پلیس سرنخی از آن ها پیدا کنیم.

کارآگاه با شنیدن اظهارات ۲ مرد میانسال،پرونده جنایی روی میزش را کنار گذاشت تا تحقیق درباره ماجرای گم شدن اعضای این خانواده را پیگیری کند. او ابتدا به اتاق سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمدآگاهی)رفت و لحظاتی را با وی به گفت وگو پرداخت. دقایقی بعد با هماهنگی های پلیس،گروهی از افسران انتظامی عازم خیابان شهید کشمیری ۱۶ شدند و لوازم منزل را در حالی به هم ریخته دیدند که مبلی ۳نفره نیز درون حیاط قرارداشت. صحنه های مشکوکی مقابل دیدگان نیروهای پلیس وجود داشت و فرضیه های گوناگونی مطرح می شد تا این که لکه ای شبیه خون روی دیوار منزل مسکونی،تحقیقات مقدماتی را وارد مرحله جدیدی کرد.

در همین حال به دلیل تاریکی شب، منزل مسکونی پلمب شد و ماجرای لکه خون فرضیه قتل اعضای یک خانواده را قوت بخشید. این گونه بود که صبح روز نوزدهم تیر،گروهی از کارآگاهان زبده آگاهی با هدایت مستقیم سرهنگ ولی نجفی(رئیس دایره قتل عمد پلیس آگاهی مشهد)عازم منزل مذکور شدند و به همراه گروه تخصصی بررسی صحنه جرم،تحقیقات جنایی را ادامه دادند. به هم ریختگی لوازم منزل حکایت از درگیری وحشتناکی داشت که احتمال آدم ربایی را نیز به ذهن متبادر می کرد. اثری از قطره خون زیر میز عسلی نیز پیدا شد که در وسط پذیرایی منزل افتاده بود. مقداری غذای باقی مانده در قابلمه فاسد شده و بوی آزار دهنده آن در فضای اتاق می پیچید. پرنده ای هم درون حمام مرده بود که از مدت زمان طولانی گم شدن اعضای این خانواده حکایت می کرد. حالا دیگر پرونده جنایی دیگری مقابل کارآگاهان قرارگرفته بود که اثر برداری نمونه های خون آغاز و مشخص شد خون ها مربوط به انسان است. طولی نکشید که سروان آرمین منفرد به عنوان افسر پرونده، ادامه تحقیقات میدانی را به عهده گرفت و در اولین مرحله از بررسی های نامحسوس و با راهنمایی های تجربی رئیس دایره قتل عمد آگاهی به سراغ صاحبخانه رفت. او به کارآگاه گفت:«حسین–ش»بسیار مستاجر خوبی بود و اجاره منزل را نیز هر ماه به طور منظم پرداخت می کرد اما از اواخر بهمن سال گذشته (۱۴۰۲)دیگر اجاره نداد. من هم که احساس می کردم شاید دستش خالی است اهمیتی ندادم اما زمانی که دیگر اجاره را پرداخت نکرد پیگیر شدم که نتوانستم با او تماس بگیرم به همین دلیل از طریق قانونی برای تخلیه منزلم اقدام کردم.

با این اظهارات مشخص شد که اعضای خانواده حداقل تا بهمن سال گذشته در منزل حضور داشته اند اما ناگهان دختر صاحبخانه ماجرای عجیب دیگری را بازگو کرد. او به افسر تحقیق پرونده گفت:ما هرچه با شماره تلفن های مستاجرمان تماس می گرفتیم خاموش بودند اما خرداد امسال به طور اتفاقی با یکی از شماره تلفن های «فاطمه–ب»(همسرمستاجر)تماس گرفتم. او ابتدا خودش را فاطمه معرفی کرد اما زمانی که به او گفتم من دختر صاحبخانه شما هستم چرا اجاره منزل را نمی دهید؟ با نگرانی و سراسیمه و در حالی که مدعی بود اشتباه گرفته ای!گوشی را قطع کرد!حالا دیگر سرنخ مهمی در اختیار کارآگاهان قرارگرفته بود که جلسه تجزیه و تحلیل کارشناسی در اتاق فرماندهی برگزار شد و ردزنی های پلیسی با هماهنگی قاضی «وحید خاکشور»ادامه یافت. در همین حال یکی از دوستان نزدیک «حسین–ش»نیز در تحقیقات نامحسوس به کارآگاهان گفت:«حسین»نوازنده «ارگ» است که در مجالس عروسی نوازندگی می کند و در زمان بیکاری هم با خودروی پرایدش به مسافرکشی ادامه می دهد ولی من از بهمن سال گذشته دیگر هیچ اطلاعی از او ندارم. آن زمان یک مجلس عروسی برای نوازندگی به من پیشنهاد شده بود که با «حسین»تماس گرفتم تا با یکدیگر به این مجلس برویم ولی او هیچ وقت به تماس هایم پاسخ نداد به همین دلیل از آخرین روزهای بهمن دیگر اطلاعی از او ندارم.

نتیجه تحقیقات میدانی به همان سرنخی رسید که دختر صاحبخانه بازگو کرده بود. به همین دلیل بررسی های تخصصی و فنی روی زن جوان «فاطمه–ب» متمرکز و مشخص شد که او زنده است و با پسری جوان در نیشابور ارتباط دارد. طولی نکشید که گروه کارآگاهان به سرپرستی مستقیم سرهنگ کارآگاه نجفی عازم نیشابور شدند و پسر جوان را که در یک آزمایشگاه مشغول کار بود،به طرز غافلگیرانه ای دستگیر کردند.

این جوان ۳۲ساله که«پ»نام دارد، منزل اجاره ای خود را به پلیس لو داد که «فاطمه–ب»نیز در آن خانه زندگی می کرد و وقتی کارآگاهان وارد طبقه همکف آن ساختمان اجاره ای شدند،زن جوان حیرت زده دچار شوک شد و خیره به کارآگاهان می نگریست اما دختر ۱۶ساله دیگری نیز به همراه پسر۴ساله فاطمه در آن منزل حضور داشت که بررسی ها نشان داد آن دختر نوجوان هم اهل یکی از مناطق اطراف قوچان است که با دوست «پ» ارتباط نامتعارف دارد ولی هنوز از دختر۱۸ماهه «فاطمه–ب»و شوهرش خبری نبود.

کارآگاهان که با مشاهده این روابط غیراخلاقی، ماجرای این پرونده را بسیار پیچیده می دیدند، بی درنگ بازجویی های تخصصی را آغاز کردند . زن جوان با ابراز بی اطلاعی از همسرش گفت:ما بایکدیگر اختلاف داشتیم تا حدی که به مرز طلاق رسیدیم ولی او مرا طلاق نمی داد تا این که بالاخره در آخرین روزهای بهمن سال گذشته و بعد از یک درگیری خانوادگی ،شوهرم خانه را ترک کرد و من هم به همراه ۲فرزندم به نیشابور آمدم و به منزل اجاره ای «پ»رفتم. اما دراردیبهشت گذشته که برای مسافرت به بابلسر رفته بودیم ،دخترم «مهرسا»در آن جا بیمار شد که او را به بیمارستان بردم ولی او به دلیل همان بیماری جان سپرد که جسدش را در بابلسر دفن کردم و خودم به همراه «محمدجواد»(پسر۴ساله)به نیشابورآمدم.

اکنون راز مرگ دختر ۱۸ماهه نیز بر ابهامات این پرونده افزوده شد و کارآگاهان با دستور قاضی خاکشور،همه متهمان را به مرکز پلیس آگاهی مشهد انتقال دادند.«فاطمه–ب»که در تنگنای سوالات فنی کارآگاهان قرارگرفته بود، به تناقض گویی افتاد و ناگهان دست از قصه پردازی کشید و در اعترافاتی تکان دهنده گفت:وقتی از همسر اولم جدا شدم با «حسین–ش»ازدواج کردم که او هم یک ازدواج ناموفق داشت ولی در زندگی مشترک سازش نداشتیم به طوری که خانواده ها نیز با ما قطع رابطه کردند. وقتی موضوع را برای مادرم بیان کردم، او با سرزنش های زیاد از من خواست به طلاق دوم فکر نکنم چرا که آبرویمان می رود. او اصرار داشت که اگر فرزندی به دنیا بیاورم زندگی ما بهتر می شود به همین دلیل یک پسر و یک دختر به دنیا آوردم اما اختلافات ما همچنان ادامه یافت.از سوی دیگر شوهرم مرا طلاق نمی داد و من از این شرایط بسیار زجر می کشیدم تا این که در بهمن سال گذشته خاله ام از شهر کهنه قوچان به منزل ما آمد چرا که او نیز با شوهرش اختلاف داشت. او در مدت کوتاهی با عطار محله که «عادل»نام دارد، آشنا شده بود و با او درد دل می کرد. وقتی ماجرای اختلاف مرا هم برای «عادل»بازگو کرد او مدعی شد اگر موادمخدر در خودروی شوهرم جا ساز کنیم و او به زندان بیفتد، طبق قانون من می توانم به راحتی طلاق بگیرم. این بود که نقشه ای کشیدیم و مقداری مواد مخدر صنعتی را از طریق «عادل» در خودروی شوهرم جاساز کردیم و سپس عادل به پلیس۱۱۰زنگ زد اما پلیس که گویی پی به ساختگی بودن ماجرا برده بود،موضوع را جدی نگرفت و تیر ما به سنگ خورد. بعد از آن بود که من از آن ها خواستم شوهرم را گوشمالی بدهند اما کار به حذف شوهرم کشید. در این میان یک بار «عادل» قرص هایی به من داد تا آن ها را به شوهرم بخورانم ولی شوهرم نوشیدنی را نخورد و نقشه ما به هم ریخت ولی مدتی بعد در آخرین روز بهمن دوباره قرص هایی را که به من داده بود درون مخلفاتی ریختم که شوهرم آن را به همراه مشروبات الکلی استفاده می‌کرد.زمانی که شب یکم اسفند نقشه را اجرا کردم و شوهرم گیج شد،عادل به همراه یکی از دوستانش وارد خانه شدند و از من و خاله ام خواستند تا صدای ضبط صوت را بالا ببریم که همسایگان فریادهای ما را نشنوند!بعد هم من و خاله ام به همراه فرزندانمان به داخل اتاق رفتیم که در این هنگام عادل و دوستش شوهرم را با چماق کشتند.

شوهرم روی مبل افتاده بود و آن ها همچنان به او ضربه می زدند البته من دست آن‌ها چاقو هم دیدم ولی نمی دانم از آن استفاده کردند یا نه! وقتی شوهرم جان سپرد،جسد او را با کمک عادل وعباس درون صندوق عقب پراید شوهرم گذاشتیم و به طرف پمپ بنزین حرکت کردیم.«عباس»(دوست عادل)دربین راه پیاده شد و ما۳نفری با خرید ظرف۴لیتری بنزین به سوی کمربند سبز مشهد رفتیم. آن جا جسد را داخل یک کانال در حاشیه جاده انداختیم و عادل برای آن که جسد شناسایی نشود، آن را کاملا در آتش سوزاند ...در این هنگام کارآگاه پرسید وقتی جسد همسرت را به کمر بند سبز انتقال دادید، چه نوع پوششی داشت؟زن جوان پاسخ داد:لباس زیر سبز وقرمز رنگ پوشیده بود!... هنوز جمله زن جوان ادامه داشت که نگاه کارآگاهان با یکدیگر تلاقی کرد. باورشان نمی شد آیا این همان ماجرای پرونده پیچیده ای بود که روی میز قرارداشت؟«سروان منفرد»بی درنگ پرونده جسد سوخته مجهول الهویه را دوباره گشود که بررسی ها نشان داد جسد سوخته ای که دوم اسفند ۱۴۰۲ درون کانال خاکی در کمربند سبز مشهد کشف شد، مربوط به «حسین–ش»شوهر «فاطمه–ب»است. با کشف راز جنایت آتشین در نیمه شب اولین روز اسفند سال گذشته،بلافاصله عملیات دستگیری عادل،عباس، وخاله «فاطمه–ب»با دستورهای ویژه قاضی شعبه ۲۱۱دادسرای عمومی وانقلاب مشهد آغاز شد و هر ۳متهم باردزنی های اطلاعاتی کارآگاهان به دام افتادند و در حضور مقام قضایی به قتل «حسین–ش»اعتراف کردند اما بررسی های تخصصی کارآگاهان با نظارت مستقیم سرهنگ فدائیان(رئیس پلیس آگاهی مشهد)و دستورهای محرمانه قاضی وحید خاکشور،برای کشف راز مرگ «مهرسا»(دختر۱۸ماهه)و ریشه یابی ادعاهای دیگر متهمان وهمچنین زوایای پنهان این جنایت تکان دهنده همچنان ادامه دارد.

پرتـو

پرتاب ماموریت «اروپا کلیپر» به تعویق افتاد

اسپیس‌ایکس و ناسا پرتاب ماموریت «اروپا کلیپر» را به دلیل وزش طوفان به تعویق انداختند.

به گزارش ایسنا، به نظر می‌رسد که باید کمی بیشتر منتظر بمانیم تا کاوشگر «اروپا کلیپر»(Europa Clipper) ناسا از زمین خارج شود.

به نقل از اسپیس، ماموریت پنج میلیارد دلاری اروپا کلیپر قرار بود روز پنجشنبه ۱۰ اکتبر با موشک «فالکون هوی»(Falcon Heavy) شرکت «اسپیس‌ایکس»(SpaceX) از مرکز فضایی کندی ناسا در سواحل فلوریدا پرتاب شود اما «طوفان میلتون»(Hurricane Milton) این برنامه را لغو کرد.

مقامات ناسا دیروز ششم اکتبر در یک به‌روزرسانی نوشتند: ناسا و اسپیس‌ایکس به دلیل شرایط طوفانی پیش‌بینی‌شده در منطقه، از تلاش برای پرتاب ماموریت اروپا کلیپر در روز پنجشنبه ۱۰ اکتبر منصرف می‌شوند. آنها افزودند: انتظار می‌رود طوفان میلتون این هفته از خلیج مکزیک حرکت کند و به سمت شرق ساحل برود. وزش باد و باران شدید در مناطق کیپ کاناورال و جزیره مریت در سواحل شرقی فلوریدا پیش‌بینی می‌شود.

گروه پرتاب، کاوشگر را در مجتمع پرتاب ۳۹A واقع در مرکز فضایی کندی نگه داشته‌اند. مقامات ناسا گفتند که بقیه مرکز نیز در حال آماده شدن برای ورود طوفان میلتون هستند.

«تیم دان»(Tim Dunn) مدیر ارشد پرتاب در برنامه خدمات پرتاب ناسا گفت: ایمنی اعضای گروه پرتاب بالاترین اولویت ماست و همه اقدامات احتیاطی برای محافظت از فضاپیمای اروپا کلیپر انجام خواهد شد. برای پیش‌بینی اینکه چه زمانی اروپا کلیپر می‌تواند پرواز کند، خیلی زود است اما این مأموریت کمی زمان دارد زیرا پنجره پرتاب آن تا روز ششم نوامبر ادامه خواهد داشت. دان ادامه داد: هنگامی که ما شفافیت کافی را به دنبال ارزیابی تسهیلات و اقدامات بازیابی داشته باشیم، فرصت بعدی پرتاب را برای این مأموریت شاخص ناسا تعیین خواهیم کرد.

اگر همه چیز طبق برنامه پیش برود، کلیپر در سال ۲۰۳۰ به منظومه مشتری خواهد رسید. کاوشگر به دور غول گازی خواهد چرخید اما قمر اروپا را بررسی خواهد کرد که تصور می‌شود اقیانوس بزرگی را از آب مایع زیر پوسته یخی خود دارد.

ارائه آدرس دقیق مشاغل و شعب با نرم‌افزار ایرانی

نرم‌افزار جدیدی از سوی فناوران در حوزه نقشه اطلاعات مکانی شهری توسعه داده شده که به کسب و کارها اجازه می‌دهد تا مسیر رسیدن به محل دقیق خود را در آن نشانه‌گذاری کنند.

امیرمحمد گلکانی، مدیر مسؤول یکی از شرکت‌های فناور این شرکت را ارائه‌دهنده نقشه و مسیریاب آنلاین هوشمند توصیف کرد و گفت: ما علاوه بر آنکه نقشه و مسیریاب را به تولید رساندیم، اطلاعات شهری نسبتا کاملی را تهیه کردیم که صاحبان کسب‌وکارها می‌توانند در بستر آن، مکان کسب و کار خود را به ثبت برسانند.

وی با بیان اینکه تقسیمات شهری و اطلاعات شهری همواره به‌روز رسانی می‌شود، ادامه داد: این محصول شبیه نرم‌افزارهایی همچون نشان و بلد است، ولی قابلیت بیشتری بر روی آن دیده شده است.

گلکانی اظهار کرد: به عنوان نمونه در همکاری با بانک ملت، این بانک توانست کلیه شعب خود را بر روی این نرم‌افزار به ثبت برساند و این بانک از طریق این نرم‌افزار برای مشتریان خود این فرصت را فراهم کرده است که مسیر شعب این بانک را از روی این نقشه پیدا کنند.

مدیر عامل این شرکت فناور ادامه داد: این نرم‌افزار این قابلیت را فراهم کرده است که کلیه شرکت‌ها و دستگاه‌ها می‌توانند اطلاعات مسیریابی خود را بر روی آن قرار دهند.

وی همکاری دیگر این شرکت را با شرکت پست عنوان کرد و در این باره توضیح داد: قرار است شرکت پست برای مسیریابی و توزیع بسته‌های پستی خود از قابلیت‌های این نرم‌افزار بهره ببرد.

ساخت دستگاه نبض‌سنج با قابلیت تحلیل نبض مچ دست بر مبنای طب ایرانی

یک شرکت دانش‌بنیان دستگاه نبض‌سنج را تولید کرد که اندازه‌گیری، ثبت و تحلیل وضعیت نبض مچ دست را بر مبنای اصول طب ایرانی انجام می‌دهد.

منوچهر اقبال، مدیر این شرکت دانش‌بنیان در خصوص زمینه کاری این شرکت، گفت: شرکت ما، حدود ۲۱ سال پیش با هدف واردات تجهیزات و وسایل یکبار مصرف پزشکی در حوزه قلب و عروق (آنژیوپلاستی) تاسیس شد. پس از واردات وسایل پزشکی از سازندگان اروپایی از پنج سال پیش اقدام به تولید بعضی از آن وسایل کردیم و در حال حاضر کیت‌های آنژیوپلاستی به میزان سالانه ۹۵ هزار عدد، رابط های تزریق در چهار طول مختلف سالانه حدودا ۶۰ هزار عدد و بالن‌های قلبی سالانه ۳۰هزار عدد در حال تولید است و چند طرح دیگر هم تا آخر سال به تولید می‌رسند.

وی ادامه داد: سوابق و تجربیات صاحبان شرکت ما با تخصص مهندسی پزشکی مرتبط با تحقیقات کاربردی و سپس تولید تجاری دستگاه‌های مختلف پزشکی شامل همودیالیز، توزیع‌کننده اتوماتیک شربت متادون، تجهیزات آسم و آلرژی، ونتیلاتور، دیسک‌های تشخیصی میکروسیالاتی به همراه دستگاه خوانش و ... است.